

بزرگداشت محمد باقر مجلسی

محمد باقر مجلسی در سال 1037 در اصفهان به دنیا آمد. وی کوچکترین پسر محمد تقی مجلسی عالم بزرگ عهد صفوی بود و از قرائن احوال برمی آید...

**زندگی‌نامه:**

محمد باقر مجلسی در سال 1037 در اصفهان به دنیا آمد. وی کوچکترین پسر محمد تقی مجلسی عالم بزرگ عهد صفوی بود و از قرائن احوال برمی آید که از ذکاوت و هوش فراوان برخوردار بود و به مطالعه و تحصیل شیفتگی بسیار داشته است..... مولف «ریاض العلماء» که از شاگردان و دستیاران وی در تدوین «بحار الانوار» بود. و از وی با عنوان «استاد الاستناء» یاد می کند، در شرح احوالش نوشته که علوم عقلی را نزد آقا حسین خوانساری و علوم نقلی را نزد پدرش فرا گرفت، اما مجلسی در نوشته های خود، جز از پدرش استاد دیگری را برای خود نام نبرده (است).....

شخصیت علمی:

پدر او در (سال) 1070 درگذشت که مجلسی اندکی بیش از سی سال داشت. بنابراین، آموزش او نزد اساتید، بر فرض وقوع، باید در حدود بیست و پنج سالگی تمام شده باشد، یعنی او برخی از مقدمات علوم را در آغاز نزد شماری از اساتید آموخته و سپس در مراتب بالای علمی بیشترین بهره را از پدر برده است. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که پدر مجلسی نزد شیخ بهایی درس خوانده و نه تنها از فنون گوناگون دانش او بهره مند شده بود، بلکه به ارشاد و هدایت وی به شرح کتابهای حدیث پرداخته بود.

مجلسی بیش از آنکه نزد اساتید درس بخواند، اهل مطالعه، تتبع و پژوهش بود، و حتی از آخرین مطالعات و نوشته های علمی روزگار و معاصر خود خبر می گرفته و در موارد زیادی از آنها استفاده می کرده است. به علاوه، او با علمای روزگار خود مراد و جدی داشته و در حل مشکلات حدیثی و غیر آن از ایشان مددی می جست است، که در برخی جاهای «بحار» به «آنها اشاره دارد.

بیشتر عمر مجلسی با تدریس، تحقیق و تالیف سپری شده، حتی در سفر حج یا در سفرهای زیارت به مشهد و عتبات عراق، این بار را بر زمین نگذاشت و در دو دهه پایان زندگی که مسئولیتهای رسمی دیمی را پذیرفته بود، از نوشتن و پژوهش باز نماند.

رابطه او با حکومت :

وی در عهد شاه سلیمان صفوی به سال 1098 منصب شیخ الاسلامی اصفهان را پذیرفت و پس از مرگ وی در پنجم ذیحجه الحرام 1105 و جلوی شاه سلطان حسین صفوی بر تخت سلطنت، بار دیگر، مجلسی از سوی وی بر همین سمت ابقاء فرمان رسمی در این باب صادر شد. آقا احمد بهبانی با اشاره به اینکه محمد باقر مجلسی از سوی سلاطین صفوی به شیخ الاسلامی اصفهان منصوب شده بود، که طبعاً مقتضیات و الزامات و اشتغالات بسیار به همراه می آورد، می نویسد که مجلسی در این دوره به وضعی شایسته امور قضایی، رفع دعاوی مسلمانان، شرکت در مراسم دینی، نماز جمعه و جماعات و عیادت مومنان را انجام می داد، و از همه مهمتر آنکه در تدریس نهایت شوق را داشت.

در گذشت او:

مجلسی در سال 1081 به سفر حج رفت که حاصل آن تالیف مجله بیست و دوم بحار الانوار بود، در سال 1085 به زیارت آستان قدس رضوی رفت که با شیخ حر عاملی مراد علمی داشت و طرفین به یکدیگر اجازه دادند (غرض از اجازه گرفتن و اجازه دادن، خصوصاً اجازه معاصران به یکدیگر، پیوستن از طرق گوناگون به سلسله های روایت حدیث، در واقع تقویت مستندات، بوده است. به هیچ روی نشانه رابطه تعلیم و تعلم نیست) تالیف جلد اول حیوه القلوب و شرح اربعین را نیز در این سفر به پایان برد. سرانجام در 27 رمضان 1110 در هفتاد و سه سالگی در اصفهان درگذشت و در جوار مرقد پدرش، جایی که امروزه «بقعه مجلسی» خوانده می شود، به خاک سپرده شد.

برخی از آثار وی:

1- «بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار» (= درباهای نور، آکنده از کوههای احادیث امامان پاک) که به اختصار «بحار الانوار» مشهور است. این کتاب از بزرگترین و نامورترین جوامع حدیثی شیعه است که به لحاظ تنوع مباحث، آن را باید از مقوله آثار دائره المعارفی دانست. تعداد مجلدات این کتاب 110 جلد می باشد.

- 2- «مراه العقول» از بهترین شرح‌هایی است که بر کتاب «اصول کافی» نگاشته شده است.
 - 3- «شرح اربعین» حاصل مذاکرات علمی مجلسی در سفر به مشهد رضوی در سال 1089 است.
 - 4- «ملاذ الاخبار فی فهم تهذیب الاخبار» شرحی است بر «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی که مجلسی آن را به خواهش فرزندش محمد صادق تألیف کرده است.
 - 5- «عین الحیوه» (فارسی)، شرحی است بر وصیت پیامبر (ص) به ابوزر که در «مکارم الاخلاق» طبرسی آمده است.
 - 6- «حیاه القلوب» (فارسی) که درباره تاریخ زندگی پیامبران سلف، پیامبر اسلام و امامان شیعه است.
 - 7- «جلاء العیون» (فارسی) درباره زندگانی امامان شیعه.
 - 8- «حق الیقین» کتابی است در عقاید که به نوشته خاتون آبادی، آخرین کار تألیفی مجلسی بوده و آن را در شعبان 1109 به پایان برده است.
 - 9- «رجعت» از آثار مشهور کلامی اوست.
- مجلسی در آداب و سنن، ادعیه و زیارات نیز چند کتاب فارسی نوشت که معروفترین آنها «حلیه المتقین» «زاد المعاد» و «تحفه الزائر» است. در همین مقوله «مقیاس المصابیح» و «مفاتیح الغیب» در خوز ذکرند.